

واکوی فقهی و حقوقی عملیات روانی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۱۱

علی مرادی *

مرتضی طیبی جبلی **

محمدعلی حیدری ***

چکیده

از آن زمان که جنگ به عنوان یک پدیده مورد مطالعه قرار گرفت، عملیات روانی نیز به عنوان ابزاری در خدمت جنگ بوده و بدان توجه شده است. به نظر نگارنده، عملیات روانی مفهوم جدیدی نمی باشد و مطالعه پیشینه تاریخی جنگ، بیانگر آن است که عملیات روانی همزاد با آن است؛ و کمتر جنگی است که در آن از عملیات روانی استفاده نشده باشد. اما نکته قابل تأمل اینکه مفهوم مزبور مانند سایر مفاهیم در بستر تاریخی و همراه با تحول مقتضیات زمان و مکان، متحول بوده، به طوری که در عصر حاضر تکنولوژی به خدمت آن درآمده، و بر پیچیدگی آن افزوده است. درحالی که در گذشته ابزار عملیات روانی همچون ادوات جنگی ابتدایی و ساده بوده است.

عملیات روانی در صدر اسلام ابتدا از سوی دشمنان پیامبر (ﷺ) و قرآن در ابعاد گوناگون و متنوعی به ویژه در طول سیزده سال حضور آن حضرت در مکه و در پوشش تهاجمی همه جانبه و گسترده برای نفی دعوت پیامبر اسلام و خاموش کردن ندای حق طلبی و عدالت خواهی او به کار گرفته شد که در قرآن از آن با عناوینی چون کید و مکر و ... یاد شده است.

* دانشجوی دکتری گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشکده حقوق-الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه آزاد

ali334moradi@gmail.com

اسلامی واحد نجف آباد، (نویسنده مسئول)

** استادیار دانشکده حقوق-الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد،

tabibi890@gmail.com

*** استادیار دانشکده حقوق-الهیات و معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

Ma1.heidari@yahoo.com

عملیات روانی مشرکان بسیار گسترده و شامل اتهام و تهمت های گوناگون، طعنه زنی، تطمیع، تخدیر، تشجیع، تحریک، تهدید، فریب، شایعه، تحریف، تفرقه افکنی، ترور، اعمال روش های خشونت بار و ... بوده است.

در نوشتار حاضر به پدیده جنگ روانی که اخص از عملیات روانی است پرداخته و سپس به عملیات روانی، تاریخچه و رابطه آن دو با هم و بیان مصادیقی از جنگ و عملیات روانی و بررسی احکام فقهی و حقوقی آن از منظر فقه اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

اینکه آیا جنگ و عملیات روانی و اقدامات جنگی بر اخبار، اطلاعات، تبلیغات و رسانه ها، از منظر اسلام و پیامبر (ﷺ) و فقه اسلامی کاربرد دارد یا نه و اگر دارد، چگونه و در چه مواردی و با چه ابزار، روش ها و تکنیک هایی؟ به عبارت دیگر آیا اصولاً پدیده جنگ و عملیات روانی در تاریخ اسلام وجود داشته است یا نه؟ این در حالی است که گاه تصور می شود عملیات روانی یا جنگ روانی اقدامی است که متجاوزان و مهاجمان آن را اعمال می کنند نه کسانی که مورد تجاوز قرار می گیرند و نیاز به دفاع از خود و متعلقانشان را دارند..

واژگان کلیدی:

عملیات روانی، جنگ روانی، فقه امامیه، جاسوسی، ترور.

جنگ و عملیات روانی

۱. جنگ روانی

۱-۱. تاریخچه جنگ روانی

با نگاهی گذرا به تاریخ می توان به این نکته پی برد که جنگ روانی از همان اوایل خلقت بشر وجود داشته است ولی هر اندازه تاریخ بشر از گذشته های دور فاصله می گیرد و به عصر ارتباطات نزدیک می شود، بر ابعاد گستردگی و پیچیدگی جنگ روانی افزوده می گردد.

نخستین کسی که اصطلاح جنگ روانی را به کار برد مورخ و تحلیل گر نظامی بریتانیایی بنام «فولر» بود که در سال ۱۹۲۰م چنین اصطلاحی را وارد فرهنگ لغات کرد. این اصطلاح در ژانویه ۱۹۴۰م برای اولین بار وارد ادبیات آمریکا شد و اولین بار در پیوست فرهنگ بین الملل «وبستر» به کار رفت (ایلخانی پور، عبداللهی، ۱۳۸۳، ص ۲۸).

نمونه های تاریخی فراوانی در استفاده از این نوع جنگ وجود دارد. استفاده

یونانیون از «اسب تراوا» در تصرف تراوا را می‌توان از این جمله برشمرد. سازمان‌های نظامی نیز به‌طور وسیع در جنگ‌های جهانی اول و دوم به شدت این جنگ را مورد استفاده قرار داده‌اند (متفکر، ۱۳۸۶، ص ۱۹. نصر، ۱۳۸۱، ص ۸۹، ایلخانی‌پور، ص ۴۷).

۲-۱. تعریف جنگ روانی

جنگ روانی بنا به نگرش‌های مختلف تعاریف مختلفی دارد از جمله:

- ۱- جنگ روانی استفاده برنامه‌ریزی شده از تبلیغات و سایر اعمالی است که قبل از هر چیز با هدف تأثیر بر نظرات، احساسات، مواضع و رفتار جوامع دشمن، بی‌طرف، یا دوست و به شیوه‌های خاص دستیابی به اهداف ملی صورت می‌گیرد (نصر، ۱۳۸۱، ص ۸۵).
 - ۲- مجموعه اقدامات یک کشور به منظور اثرگذاری و نفوذ در عقاید و رفتار دولت‌ها و مردم خارجی در جهت مطلوب که با ابزارهایی غیر از ابزارهای نظامی، سیاسی، اقتصادی انجام می‌شود. در این میان جنگ تبلیغاتی رکن اساسی جنگ روانی است.
 - ۳- طیف وسیعی از فعالیت‌ها نظیر ترور و خشونت نمادین را که به منظور ارباب یا ترغیب مخالفین طراحی می‌شوند، در برمی‌گیرد.
 - ۴- شکل دادن به نگرش‌های عمومی ملت است و آن را طیف وسیعی از فعالیت‌ها و اقدامات سیاسی، نظامی و حتی جنگ و گریز چریکی و دیگر اقدامات شبه نظامی در مناطق پشت جبهه دشمن تشکیل می‌دهد.
- از جمع‌بندی نظریه‌های فوق می‌توان، جنگ روانی را به این شکل تعریف کرد: «استفاده برنامه‌ریزی شده از تبلیغات به وسیله عوامل آشکاری همچون رادیو، تلویزیون، مطبوعات و ماهواره‌ها، اینترنت و فضای مجازی و... و عوامل پنهانی مانند شایعه، جاسوسی، ترور و... به منظور تحریف عقاید، تضعیف روحیه مردم یا ارتش دشمن و بی‌اعتبار کردن انگیزه‌ها و کاستن از اقتدار حکومت مخالف (متفکر، ۱۳۸۶، ص ۱۸).

۳-۱. نمونه‌هایی از جنگ روانی دشمن علیه پیامبر (ﷺ)

دشمنان اسلام در موارد و مقاطع مختلف مقابله با اسلام از حربه جنگ روانی استفاده می‌کردند. در این نوشتار، به اختصار برخی از شیوه‌های جنگ روانی در صدر اسلام را بیان می‌کنیم.

در جنگ احد مشرکان برای در هم شکستن روحیه سپاه اسلام به دروغ فریاد سر دادند که پیامبر (ﷺ) کشته شده است (ابن اثیر، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۱۵۷).
با ظهور اسلام در مکه که مرکز جاهلیت عرب محسوب می‌شد، تقابلی نو در تاریخ شکل گرفت. تا زمانی که دعوت پیامبر (ﷺ) علنی انجام نگرفته بود، کفار چندان توجهی به برنامه‌های ایشان نداشتند؛ ولی پس از دعوت آشکار، جنگ روانی نظام زر و زور نیز آغاز شد. جبهه شرک و کفر از همه ابزارها و شیوه‌های ممکن استفاده کرد تا شاید بتواند مانع پیشرفت اسلام شود.

۴-۱. نمونه‌هایی از جنگ روانی در صدر اسلام علیه دشمن

در مقابل، پیامبر گرامی (ﷺ) نیز به بهره‌گیری از ابزار و شیوه‌های جنگ روانی با هدف هدایت انسان‌ها به سوی سعادت پرداخت که به چند مورد اشاره می‌شود: استفاده از صدای دل‌نشین و صوت زیبای قرآن، به کار بردن اخلاق نیکو در برابر نامهربانی‌های مشرکان و کفار، بشارت‌های قرآنی برای مؤمنان و زندگی سعادت‌مند آخرت، تحریک و تشجیع مؤمنان، تظاهر به قدرت سپاه اسلام به وسیله آتش روشن کردن در فتح مکه، تقویت روحیه مؤمنان با سخنرانی، تضعیف روحیه دشمنان، دعوت به مباحله، کوچک شمردن بت‌ها، تحقیر دشمنان پیش‌گویی‌های قرآن، وعده عذاب برای دشمن، رجزخوانی در جنگ، استفاده از اشعار حماسی، به‌کارگیری پرچم، تشکیل یگان‌های نظامی، رنگ کردن ریش مؤمنان برای فریب دشمن، اختلاف انداختن در صف دشمنان، فرستادن نامه به سران قبیله‌ها و کشورها، اعزام مبلغ و قاری و... (فرشچی، ۱۳۸۲، ص ۲۹).

رسول گرامی اسلام (ﷺ) در ابتدای بعثت، هدف شدیدترین حمله‌های روانی و تبلیغاتی کفار قرار گرفتند. آن حضرت نیز همواره مبتکر بهترین تاکتیک‌ها و تکنیک‌های جنگ روانی در دو بعد تقویت روحیه رزمندگان اسلام و تضعیف روحیه دشمنان بودند. البته هیچ‌یک از این ابتکارات منافی اصول اخلاقی و انسانی و اسلامی نبودند.

۱- پیامبر اکرم (ﷺ) با توجه به اینکه می‌دانستند مسلمانان از رومیان بیمناک هستند. گاهی دسته‌هایی از لشکریان اسلام را برای انجام عملیات ایذایی به مرز روم می‌فرستادند و با این کار آسیب‌پذیری رومیان را آشکار کرده و روحیه مسلمانان را تقویت می‌کردند.

۲- در شب فتح مکه پیامبر اسلام دستور فرمودند لشکریان اسلام آتش فراوانی در ارتفاعات روشن کنند تا روحیه دشمن به تصور اینکه تعداد مسلمانان بسیار زیاد است تضعیف گردد (مقریزی، ۱۴۲۰، ص ۳۵۸).

۳- مسلمانان هنگام برخورد با نیروهای دشمن شعارهایی کوبنده و مخصوص به خود داشتند که هم موجب شناخت خودی از غیر خودی بود و هم موجب تضعیف روحیه دشمنان می گردید. شعارهایی؛ مانند شعار اَمِت، اَمِت (بمیران، بمیران)، احد احد و شعار الله اکبر در جنگها داده می شد.

۴- در غزوه خندق پیامبر (ﷺ) فردی را به داخل قوم یهود فرستادند تا آن‌ها را از ادامه جنگ با مسلمانان منصرف سازد (مقریزی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۲۷۶).

۵- با مطالعه در سنت نیر می توان روایات زیادی جهت تأیید مطلب ذکر کرد. از مهم ترین ابواب و روایات این بخش روایاتی است که حاکی از جواز به کار بردن خدعه در جنگ است: «الحرب خدعه» و جنگ روانی از مصادیق بارز «خدعه» است.

از دیدگاه فقه اسلامی، خدعه در جنگ جایز می باشد. علامه حلی (ﷺ) در کتاب «تذکره» و «منتهی» بر این مطلب، ادعای اجماع نموده است (نجفی، ۱۳۶۲، ص ۸۰). روایاتی که علمای اسلام جهت جواز خدعه در جنگ، بدان استدلال نموده اند گویای جواز جنگ روانی است. از جمله این روایات حدیثی است که علامه حلی (ﷺ) از منابع اهل سنت نقل می کند که مربوط به رویارویی حضرت علی (ﷺ) با عمرو بن عبدود در جنگ احزاب (خندق) می باشد:

عامه روایت کرده اند که چون «عمرو بن عبدود» با علی (ﷺ) روبرو گشت، گفت: من این امر را دوست ندارم، ای پسر برادرم، امام علی (ﷺ) فرمود: اما من مایلم، آنگاه عمرو غضبناک شد و به سوی امام روان گردید. امام علی (ﷺ) گفت من به میدان نیامده ام که با دو نفر بجنگم پس عمرو متوجه جانبی شد «غافلگیر شد» آنگاه امام جستی زد و به او ضربه ای وارد کرد عمرو گفت به من خدعه زدی و امام فرمود جنگ خدعه است. روایت دیگری است از امام صادق (ﷺ) که رسول خدا (ﷺ) در جنگ خندق فرموده اند: «جنگ خدعه است و هر چه می خواهید در جنگ بگویید»، و این روایت، از جمله مهم ترین مستندات جنگ روانی در منابع روایی می باشد.

روایت دیگری که ناظر به جنگ روانی مسلمین بر علیه دشمن می‌باشد سخنی است از امام علی (ؑ) در جنگ صفین که در راستای تقویت روحیه خودی و تضعیف روحیه دشمن است: عدی ابن حاتم گوید: علی (ؑ) زمانی که در جنگ صفین با معاویه برخورد نمود صدایش را به قدری بلند کرد که اصحابش می‌شنیدند و فرمود: به خدا قسم معاویه و یارانش را می‌کشم سپس در پایان سخن درحالی که من نزدیک ایشان بودم، با صدای آهسته فرمودند انشاءالله، آنگاه من گفتم ای امیرمؤمنان شما برگفته خود سوگند یاد کردید، و در پایان به خواست الهی مقید کردید، منظورتان چیست؟ حضرت فرمود: «جنگ خدعه است و من در نزد مؤمنین دروغگو نیستم، خواستم با این سخن اصحاب و یاران خویش را تحریض و تشویق نموده تا سست نشوند» (نجفی، ۱۳۶۲، ص ۸۰).

۲. عملیات روانی

۲-۱. تاریخچه عملیات روانی

قدمت به‌کارگیری عملیات روانی به هزاران سال پیش باز می‌گردد، از آنجا که این قبیل عملیات‌ها در سرتاسر تاریخ و در طیف وسیعی از بحران‌ها و تهدیدها صورت پذیرفته‌اند، لازم است تعریفی دقیق از آن‌ها صورت بدهیم (ذوالفقاری، ۱۳۹۲، ص ۴۷).
واژه «عملیات روانی» نیز در اوایل ۱۹۴۵ آن توسط کاپیتان «ام. زاچاریاس» در طرح عملیاتی منتسب به تشدید محاصره ژاپن توسط نیروهای دریایی آمریکا به‌کار گرفته شد.

این واژه بار دیگر در سال ۱۹۵۱ استفاده شد، یعنی زمانی که دولت ترومن یک کمیته راهبردی بین‌سازمانی را دوباره نام‌گذاری کرد و آن را «کمیته هماهنگی عملیات روانی» نامید. هر چند در سال ۱۹۵۱ ارتش آمریکا تحولی در این اصطلاح ایجاد کرد، اما تا دهه ۱۹۶۰ اصطلاح عملیات روانی، همچون جنگ روانی، به‌عنوان اصطلاحی فراگیر به‌کار برده می‌شد (مرادی، ۱۳۸۶، ص ۱۴-۱۳).

در این دهه ضمن گسترش علاقه نسبت به این پدیده بعد از جنگ، اصطلاح جنگ روانی، به واژه جدید عملیات روانی تغییر یافت (بیابان‌نورد، ۱۳۸۴، ص ۱۲۴).
اما برخلاف نو بودن این واژه، عملیات روانی، علمی همزاد بشر است. داستان فریب

حضرت آدم توسط شیطان که در نهایت به اخراج حضرت آدم از بهشت منجر شد را نیز می‌توان اولین مصداق عملیات روانی به حساب آورد (جنیدی، ۱۳۸۹، ص ۴۷).
و یا هجمه‌های عملیات روانی علیه حضرت علی (ع) به حدی بود که پس از شهادت آن حضرت در محراب، عده‌ای با تعجب می‌پرسیدند: مگر حضرت علی (ع) نماز می‌خواند که در محراب شهید شده است؟! (متفکر، ۱۳۸۳، ص ۲۵).

۲-۲. تعریف عملیات روانی

در خصوص عملیات روانی تعاریف گوناگونی ارائه شده است که عبارتند از:
۱- حملات تبلیغاتی شدیدی است بین دو دولت یا دو گروه از دولت‌ها (بابائی، ۱۳۶۹، ص ۳۶۴).

۲- استفاده دقیق و طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن، که هدف اصلی آن تأثیرگذاری بر عقاید، احساسات، تمایلات و رفتار دشمن، گروه بی‌طرف و یا گروه‌های دوست است، تا موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی مجری شود (قهرمانپور، ۱۳۹۳، ص ۷۱۴)، (محمدنژاد و نوروزی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۲).

۳- عملیات روانی، عملیاتی است که برای انتقال اطلاعات و نشانه‌های برگزیده شده با هدف تأثیرگذاری بر هیجان‌ها، انگیزه‌ها، استدلال عینی مخاطبان خارجی، رفتار دولت‌های بیگانه، سازمان‌ها، گروه‌ها و یکایک افراد طرح‌ریزی می‌شود (ذوالفقاری، ۱۳۹۲، ص ۴۷).

۲-۳. عملیات روانی قریش در برابر پیامبر اسلام (ص)

بی‌تردید، تاریخ اسلام پُر است از ده‌ها مثال زنده و محکم، و بهترین مثال این امر، ماجرای است که ساعتی پس از انتشار خبر رحلت حضرت رسول (ص) رخ داد. کفار، این خبر را دستاویز قرار دادند، شروع به آغاز جنگی روانی بر ضد مسلمانان کردند و مدعی شدند که اسلام پایان یافته و دیگر رهبری برای آن یافت نخواهد شد. کفار، همچنین به نشر شایعه‌های خبیثانه‌ای بین مسلمانان پرداختند و می‌گفتند «اگر محمد پیامبر بود، بی‌شک در بین شما باقی می‌ماند و نمی‌مرد» شدت این جنگ سرد به آنجا رسید که عمر بن الخطاب وحشت‌زده و درحالی‌که شمشیر خود را از غلاف بیرون

کشیده بود، از خانه بیرون رفت و کفار را که از مرگ محمد (ﷺ) هیجان زده شده بودند به گردن زدن تهدید کرد. کار بالا گرفت و مردم دچار اضطراب شدند و نزدیک بود که عقیده برخی مسلمانان دچار تزلزل شود و کفار، از این فتنه بزرگ مسرور شده بودند، ابوبکر مداخله کرد و غائله را با خطبه مشهور خود خاتمه داد؛ در این خطبه، پس از حمد خدا و درود بر فرستاده او گفت: «ای مردم، هر کس محمد (ﷺ) را می پرستیده، بداند که محمد (ﷺ) مرده است و هر کس که خدا را می پرستد، بداند که خداوند زنده است و نمی میرد (نصر، ۱۳۸۱، ص ۵۳).

نمونه دیگر جنگ صفین است که بین علی بن ابی طالب (ﷺ) و معاویه در گرفت و در آن معاویه سعی داشت علی (ﷺ) را شکست دهد و از او به سبب عزل نزدیکان عثمان از مسئولیت هایشان، انتقام بگیرد. وقتی که دو لشکر با یکدیگر درگیر شدند، نزدیک بود که جنگ به شکست معاویه تمام شود، «عمرو بن العاص»، که شخصی سیاسی و حيله گر بود، به معاویه پیشنهاد کرد که مسلمانان قرآن‌ها را بر سر نیزه کنند و هلله کنان و تکبیر گویان، خواستار تحکیم و حل قضیه از طریق صلح آمیز شوند. به این صورت، عمرو بن العاص، معاویه را از شکست قطعی نجات داد (نصر، ۱۳۸۱، ص ۵۵-۵۴).

۳. رابطه جنگ روانی و عملیات روانی

جنگ روانی را اخص از عملیات روانی می دانند؛ چون عملیات روانی عبارتست از جنگ‌های روانی و دیگر فعالیت‌های روانی و اعمال سیاسی، نظامی، اقتصادی و ایدئولوژیکی؛ که به منظور ایجاد زمینه مساعد در احساسات حالات و رفتار گروه‌های مورد هدف به منظور نیل به هدف‌های ملی طرح ریزی و اجرا می شود. اما جنگ روانی، اقدامات روانی به منظور نفوذ عقاید، احساسات و رفتارهای گروه‌های مورد نظر می باشد و اصولاً هدف‌های ملی را در زمان جنگ، پشتیبانی می نماید (متفکر، ۱۳۸۶، ص ۱۸).

۴. اهداف عملیات روانی

هدف عملیات روانی القای غم، القای یأس و ناامیدی، ایجاد رعب و وحشت، ایجاد بدبینی به نظام و مسئولین، افزایش نگرانی و اضطراب در مردم، ترور شخصیت، ایجاد

فضای ناسالم اجتماعی، ایجاد تفرقه در میان مردم، از بین بردن وحدت و یگانگی در بین مردم و... است.

۵. ابزارها و تکنیک‌های عملیات روانی

در عملیات روانی ابزارهای زیادی وجود دارد که هر کدام ممکن است تأثیر خاصی بر جامعه مخاطبین داشته باشد. به همین دلیل کارشناسان عملیات روانی باید عواملی مانند تحصیلات جامعه مخاطب، وضعیت معیشتی و مشکلات اقتصادی، شرایط فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و نیز وضعیت امنیتی و روانی جامعه هدف را به خوبی مورد مطالعه قرار داده باشد (قهرمانپور، ۱۳۹۳، ص ۷۱۴).

لازم به ذکر است تاکتیک‌ها و روش‌های عملیات روانی همگام با مطالعات جدید در حال گسترش می‌باشد. از این رو می‌توان به مواردی از جمله: ارباب، تطمیع، تخدیر، تشجیع، تحریک، تهدید، فریب، شایعه، تحریف، تفرقه‌افکنی، ترور و... اشاره نمود. تبلیغ، سخن‌پراکنی، جاسوسی، القای ترس و روش‌های خشونت‌بار، شکنجه‌ها، سلاح‌های آتش‌زا و میکروبی، مسموم کردن مناطق مسکونی، انواع گوناگون اتهامات نسبت به قرآن و پیامبر (ﷺ) و... نیز از دیگر موارد و مصادیق جنگ و عملیات روانی است.

۶. مصادیق عملیات روانی

از گذشته دور تا به امروزه ابزارها و تکنیک‌های مورد استفاده در عملیات روانی، فراوان بوده ولی در این نوشتار، به برخی از موارد آن اشاره و از نظر فقهی و حقوقی به آن پرداخته می‌شود.

جاسوسی

جاسوسی و تجسس تفتیش از باطن امور می‌باشد و بیشتر در مورد امور شرعیه به کار می‌رود و منظور از جاسوس هم کسی است که صاحب اسرار شرعیه باشد (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۸۳). این موضوع از گذشته‌های دور تاکنون توسط افراد و حکومت‌ها به‌طور فردی و گروهی و گاه سازمان‌یافته در ابتدا به شکل معمولی نظیر فرستادن افراد در بین سپاه دشمن به منظور کسب خبر و بعدها پیچیده‌تر و به‌صورت

کار سازمان یافته و شبکه‌ای گسترش یافته است. در سیره جنگی پیامبر اکرم (ﷺ) نیز مصادیق متعددی از تجسس وجود داشته است.

در عصر حاضر جاسوسی به عنوان یک مسئله پیچیده و مرموز و کار شبکه‌ای گسترده در دستور کار کشورهای استکباری و سلطه‌جو قرار دارد تا از این طریق اقدام به کسب اخبار و اطلاعات از سایر دولت‌ها و ملت‌ها در حوزه‌های مختلف نظامی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... نمایند، فراتر از آن نیز در حال حاضر، این موضوع حتی در حوزه فردی و نظام خانوادگی ورود نموده و بعضاً با انجام برنامه‌های طراحی شده موجب تخریب روان و امنیت جامعه گشته و از این طریق زمینه سلطه و دخالت در امور داخلی ملت‌ها و دولت‌ها را عملیاتی نموده است. امروز جاسوسی و تجسس، وسیله‌ای است در خدمت ایادی استکبار تا از این طریق زمینه بروز جنگ‌ها و عملیات‌های روانی در جوامع بشری گردد.

۶-۱. معنا لغوی و اصطلاحی تجسس

۶-۱-۱. معنای لغوی جاسوسی

جاسوسی و تجسس از ریشه «جسّ یجسّ» بوده و به معنای حس کردن با دست برای شناسایی چیزی می‌باشد (محقق، ۱۳۶۴ش، ج ۵، ص ۱۶۶). و تجسس تفتیش از بواطن امور می‌باشد و بیشتر در مورد امور شر به کار می‌رود و منظور از جاسوس هم کسی است که صاحب اسرار شر می‌باشد. و جاسوس همان عین است که به تجسس از اخبار می‌پردازد (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۸۳).

برای جاسوس در لغت عرب از سَمَاع هم استفاده می‌شود (یوسف موسی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۵۳۵).

عسقلانی در فتح الباری دلیل اینکه گاهی به جای «جاسوس» تعبیر «عین» آورده می‌شود این گونه تحلیل می‌آورد که وجه تسمیه جاسوس به عین از این باب است که عمل جاسوس در واقع با چشم می‌باشد و اهتمام اصلی او رؤیت می‌باشد چنانکه گویی تمام بدن او چشم شده باشد (عسقلانی، بی تا، ج ۶، ص ۱۲۶).

۶-۱-۲. تعریف اصطلاحی جاسوسی

جاسوس کسی است که اخبار و اطلاعات کسی یا مؤسسه‌ای و یا کشوری را مخفیانه گرد آورد و به شخص یا مؤسسه و یا کشور دیگری اطلاع دهد (معین، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۲۰۶).

برخی از فقها نیز آن را چنین تعریف کرده‌اند:

«تجسس بیشتر در کشف امور پنهانی استعمال می‌شود که انسان‌ها راضی به کشف آن نمی‌باشند. جاسوس کسی است که امور نهانی مردم را بداند و پنهانی‌های مردم بیشتر نقاط ضعف و رفتارهای ناپسند آن‌هاست که آشکار شدن هر یک از آن‌ها موجب کوچکی و پستی آنان می‌شود» (سبحانی، ۱۳۷۰، ص ۶۳۸).

۶-۲. تجسس در قرآن و روایات

۶-۲-۱. واژه تجسس در قرآن

خداوند در سوره حجرات آیه ۱۲ صریحاً تجسس را تحریم کرده و این‌گونه می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمان‌ها اجتناب کنید زیرا بعضی از ظن‌ها گناه است و تجسسی نکنید البته کراهت و نفرت دارد و تقوای الهی پیشه کنید چه آنکه خداوند بسیار توبه‌پذیر و مهربان است».

در قرآن کریم این واژه تنها یک بار، به صورت «ولاتجسسوا»، آمده است (حجرات، ۱۲). مفسران ذیل آیه «ولاتجسسوا» مراد از تجسس را چنین بیان کرده‌اند: «تفتیش اسرار و امور مخفی مؤمنان و در جست‌وجوی عیب‌ها و لغزش‌های مردم بودن» (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۱۳۷).

و نیز گفته شده است که «تتبع و تفحص از امور مخفی و مستور مردم برای اطلاع یافتن از آن‌ها» (طباطبایی، ۱۴۰۲، ج ۱۸، ص ۳۲۳).

قرطبی نیز درباره معنای آیه شریفه می‌گوید:

«معنای آیه این است که آنچه از مسلمانان بر شما ظاهر است، بگیریید و درباره اسرار و عورات آن‌ها جست‌وجو نکنید؛ یعنی هیچ‌یک از شما از عیب برادرش بعد از آنکه خداوند آن را پوشانده، فحص و جست‌وجو نکند تا بر او آشکار شود (قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱۶، ص ۳۳۲).

۶-۲-۲. تجسس در روایات

در منابع حدیثی، روایاتی دال بر نهی از ارتکاب فعل جاسوسی و تجسس نقل شده است که در مذمت و قبح جاسوسی و تجسس و نهی از آن تصریح دارند که عبارتند از: یک: روایت مروی از معصوم (ع) که دال بر تحریم تجسس حوزه خصوصی افراد است روایت زیر می‌باشد: «انی لم اوامر ان اشق عن قلوب الناس ولا اشق بطونهم» (محمّدی ری شهری، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۲).

در این روایت معصوم می‌فرماید: من مأموریت ندارم تا از عقاید و حب و بغض و نیت‌های مردم تفتیش و از رازهای آن‌ها تحقیق کنم بلکه من به ظواهر حال مردم قناعت می‌کنم و تفتیش از پنهانی‌های اعمال و اقوال و عقاید و نیت مردم را بر خود جائز نمی‌دانم. براین اساس مکلفین دیگر نیز جواز ورود به حیطه خصوصی افراد را نداشته و باید به ظاهر حال دیگران اکتفا کنند.

دو: حدیثی که در این مجموعه می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد حدیث مرسل و ضعیف زیر از منابع اهل تسنن می‌باشد: «ایاکم والظن فان الظن الکذب الحدیث و لاتحسسوا ولا تجسسوا» (نیشابوری، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۷)، (محمّدی ری شهری، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۷۲۸) پیامبر اکرم (ع) فرموده‌اند: شما را از سوءظن، برحذر می‌دارم. همانا سوءظن دروغ‌ترین کلام‌هاست. تجسس و تحسس نکنید». این روایت، نه تنها از تجسس و تفتیش در امور باطنی و پنهانی مردم نهی کرده است، بلکه «تحسس» (با حاء)، یعنی گوش دادن به سخنان دیگران را در مورد امور ظاهری افراد نیز نهی کرده است.

سه: امام جعفر صادق (ع) در روایتی از رسول اکرم (ع) نقل شده است که آن حضرت فرموده‌اند:

ای کسانی که با زبان، اسلام آورده، ولی ایمان در قلب‌هایتان پابرجا نشده است! مسلمانان را مذمت نکنید و در پی عیوب و امور پنهانی‌شان نباشید، پس هر کس امور پنهانی مسلمانان را پیگیری کند و آشکار سازد، خداوند امور پنهان و زشتی‌های او را آشکار خواهد ساخت، و هر کسی که خداوند امور پنهانی او را آشکار سازد رسوایش می‌کند، هرچند کار زشت را در گوشه منزلش انجام داده باشد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۵۵).

همچنین در حدیثی از رسول خدا (ع) از گوش دادن به مکالمات شخصی افراد

به‌عنوان مصداقی از تجسس منع شده است: «کسی که به سخن و مکالمات افراد گوش می‌کند درحالی‌که آن‌ها از اینکه کسی به گفته آن‌ها گوش دهد کراهت دارند، روز قیامت در گوش او سرب گذاخته ریخته می‌شود (حویزی، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۹۳).

۳-۶. انواع تجسس و تبیین حکم آن

سه نوع تجسس با احکام جداگانه را می‌توان از هم بازشناخت: تجسس امور شخصی، امور اجتماعی و فعالیت‌های دشمن.

۳-۶-۱. تجسس در امور شخصی

مراد از امور شخصی، اموری است که به حوزه فردی و خانوادگی شخص مربوط می‌شود، نه حوزه اجتماعی یا سیاسی. در جوامع بشری و زندگی‌های اجتماعی گرچه هر فردی عضوی از جامعه است، ولی برای خود حوزه شخصی دارد که به مناسبات فردی او یا او با خانواده‌اش مربوط می‌شود و از اطلاع دیگران، یعنی غیر خود و اهل خانواده‌اش، از آن‌ها کراهت دارد.

۳-۶-۲. حکم فقهی تجسس در امور شخصی دیگران

خداوند متعال در سوره حجرات آیه ۱۲ صریحاً تجسس را تحریم کرده و این‌گونه می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمان‌ها اجتناب کنید زیرا بعضی از ظن‌ها گناه است و تجسسی نکنید البته کراهت و نفرت دارد و تقوای الهی پیشه کنید چه آنکه خداوند متعال تحقیقاً بسیار توبه‌پذیر و مهربان است».

جاسوسی مسلمانی علیه مسلمانان، حرام و موجب ثبوت تعزیر است، هر چند امام (ع) می‌تواند او را عفو کند (حلی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۵۰۵).

۳-۶-۳. نهی از تجسس در احوال مردم

علامه طباطبایی تجسس را به‌معنای پی‌گیری و تفحص از اموری می‌داند که مردم عنایت دارند پنهان بماند و فرد آن‌ها را پی‌گیری کند تا خبردار شود (طباطبایی، ۱۴۰۲، ج ۱۸، ص ۴۸۴). مرحوم طبرسی نیز از آنجایی که تجسس را ناظر به امور شرعی می‌داند نهی از تجسس را ناظر به عیوب مسلمانان تفسیر می‌نماید (طبرسی، ۱۴۰۶، ج ۹، ص ۱۳۷).

و لذا مرحوم طبرسی آیه را این گونه معنا می نماید: «دنبال عیوب مسلمانان نگردید و در این مقام برنیاید که اموری را که صاحبانش می خواهند پوشیده باشد تو آنها را فاش کنی».

وهبه زحیلی هم در تفسیر خود تجسس را به معنای بحث از عیوب مسلمین و کشف آنچه می پوشانند و اطلاع از اسرار مسلمین می داند (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۶، ص ۲۵۵). امام خمینی (ع) می فرماید: هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه یا محل کار کسی بدون اذن صاحب آنها وارد شود و یا کسی را جلب کند یا به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه و جرم، هرچند بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد، تمام اینها جرم و گناه است. و مرتکبین امور فوق مجرم و مستحق تعزیر خواهند بود و برخی از آنها موجب حد شرعی می باشند (خمینی، ۱۳۶۱ش، ج ۱۷، ص ۱۴۰).

۴-۳-۶. تجسس در امور اجتماعی

نوع دیگر تجسس، تجسس در امور اجتماعی و عمومی است. امور اجتماعی عبارت است از امور مربوط به مشاغل، اصناف، شرکتها، سازمانها، نهادها، کارکنان و دولتمردان و هر مجموعه ای که شأن اجتماعی دارد. هدف از این نوع تجسس، کسب اطلاع از چگونگی عملکرد اجتماعی افراد، نهادها و سازمانهاست تا طبق آن، راهکارهایی برای اصلاح امور اجتماعی مردم ارائه و از فعالیت مفسدان اجتماعی جلوگیری شود.

۵-۳-۶. حکم اخلاقی تجسس در امور اجتماعی

حکم تجسس در امور اجتماعی یا به عبارت بهتر «بازرسی» و «نظارت»، بنابر دلیل عقلی و برخی روایات، جواز و حتی وجوب است. مبنای حکومت و قدرت حاکمان را چه خدا بدانیم و چه جامعه و قرارداد اجتماعی، شکی نیست که وظیفه حاکم، محافظت از مردم خویش در برابر خطرهایی است که ممکن است جان و مال آنها را تهدید کند و نظم و امنیت اجتماعی را برهم زند. بنابراین، حاکم و دولت باید بر تمام سازمانها و نهادهای اجتماعی نظارت داشته و مراقب باشد که آنها علیه حقوق مردم و امنیت اجتماعی اقدامی نکنند. بنابراین، بازرسی در کار آنها واجب و ضروری است.

دلایل روایی بر جواز یا وجوب این کار، کم نیست. بنا بر حدیثی از امام رضا (ع)، پیامبر اکرم (ع)، هنگامی که لشکری گسیل می‌داشت، افراد مطمئنی همراه فرمانده می‌فرستاد تا کارهای او را زیر نظر داشته باشند و به پیامبر (ع) گزارش دهند (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۱، ص ۴۴).

حضرت علی (ع) در فرمان خود به مالک اشتر نخعی، دستور داده است که فقط به گزینش دولتمردان صالح اکتفا نکند، بلکه با کمک مأموران مخفی، اعمال آنان را نیز زیر نظر بگیرد (سبحانی، ۱۳۶۷، ص ۶۴۲).

۶-۳-۶. تجسس در امور دشمنان

نوع دیگر تجسس، تجسس در امور دشمنان حکومت و ملت است؛ یعنی گردآوردن اطلاعات درباره دشمنان و مخالفان نظام، از قبیل منافقان و جاسوسان و گروه‌های مخفی، چه در داخل کشور و چه در خارج از آن، برای اطلاع از فعالیت‌ها، نقشه‌ها و طرح‌های عملیاتی آن‌ها تا بتوان در موقع مناسب، واکنش نشان داده، نقشه‌های آن‌ها را نقش بر آب نموده و از ملت و میهن خود دفاع کرد.

به نظر فقهای شیعه و اهل سنت، هرگاه کسی در پی تجسس از درون منزل مؤمن برآید، صاحب منزل حق دارد وی را از این کار بازدارد و اگر تجسس‌کننده کار خود را ادامه دهد، صاحبخانه مجاز است با پرتاب سنگریزه وی را از این کار منع کند. به نظر بسیاری از فقها، اگر این کار منجر به جراحت و حتی مرگ این شخص شود، صاحب خانه ضامن نیست (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹، ص ۶۰).

۶-۳-۷. حکم فقهی تجسس در امور دشمنان

هیچ شکی در مورد جواز این نوع تجسس نیست. جنگ مورد خاصی است که اخلاق خاص خود را دارد و بسیاری از اعمال، مثل دروغ، فریب، قتل که در شرایط عادی در خصوص افراد دیگر که دشمن ما نیستند، غیر اخلاقی و حرام است، در جنگ جایز می‌شوند. جاسوسی کردن علیه کفار، به نفع مسلمانان جایز است و بنا بر تصریح برخی، جاسوس از غنایم نیز سهم می‌برد (نجفی، ۱۴۰۰، ج ۲۱، ص ۲۰۱).

در سیره جنگی پیامبر اکرم (ع) نیز مصادیق متعددی از تجسس وجود دارد.

حضرت علی (ع) داستانی از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کنند که پیامبر به ایشان و زبیر و مقداد امر کردند که به مکانی بروند. در آنجا زنی در کجاوه می‌بیند که نامه‌ای با خود دارد. آن نامه را از او بگیرد. حضرت می‌فرماید ما راه افتادیم و به آن نقطه رسیدیم و زنی را در کجاوه یافتیم. گفتیم نامه‌ای را که همراه داری بده. گفت: نامه‌ای ندارم. حضرت می‌فرماید: من گفتم یا نامه را می‌دهی یا تو را تفتیش کنیم؟ زن نامه را از لابه‌لای گیسوانش درآورد. نامه را خدمت پیامبر (ص) آوردیم. نامه‌ای بود از حاطب بن ابی بلتعنه به گروهی از مشرکان که در آن اطلاعاتی درباره پیامبر به آن‌ها داده بود (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۷۳۴).

از دیگر موارد امر پیامبر به تجسس، فرستادن عبدالله بن ابی حدرد برای تجسس در جریان قتل رفاعه بن قیس جشمی؛ فرستادن سعید بن زید به معرینین، عاصم بن ثابت را به مکه (أحمدی میانجی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۹)، فرستادن عبدالله بن جحش همراه با هشت تن از مهاجران برای کسب اطلاعات درباره دشمن، پیش از جنگ بدر؛ گسیل داشتن افرادی به بدر برای تجسس از قافله قریش ده شب پیش از حرکت لشکر اسلام؛ فرستادن علی (ع) و زبیر بن عوام و شماری دیگر به اطراف چاه‌های بدر برای کسب اخبار و نیز گردآوری خبر برای پیامبر در این جنگ؛ ارسال بسیسه به منطقه بدر برای تجسس از کاروان ابوسفیان؛ فرستادن انس و مؤنس، فرزندان فضاله، در جنگ احد برای تفتیش از لشکر قریش؛ باقی ماندن عباس بن عبدالمطلب در مکه به درخواست رسول اکرم (ص) برای آگاه ساختن ایشان از اخبار قریش و موارد متعدد دیگر (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۷۳۴؛ رحمان ستایش، ۱۳۷۹، ص ۳).

در سیره جنگی پیامبر اکرم (ص) نیز مصادیق متعددی از تجسس وجود دارد که از جمله آن‌هاست: فرستادن عبدالله بن جحش همراه با هشت تن از مهاجران برای کسب اطلاعات در باره دشمن، پیش از جنگ بدر (ابن هشام، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۵۲). گسیل داشتن افرادی به بدر برای تجسس از قافله قریش، ده شب پیش از حرکت لشکر اسلام (واقعی، ۱۴۱۸ ج ۱، ص ۱۹). فرستادن علی (ع) و زبیر بن عوام و شماری دیگر به اطراف چاه‌های بدر برای کسب اخبار و نیز گردآوری خبر برای پیامبر در این جنگ (ارسال بسیسه) یا بسبسه (ابن هشام، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۶۷-۲۶۸) به منطقه بدر برای

تجسس از کاروان ابوسفیان، فرستادن انس و مؤنس، فرزندان فضاله، در جنگ احد برای تفتیش از لشکر قریش (واقعی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۲۰۶) فرستادن نعیم بن مسعود و برخی دیگر برای تجسس از وضع بنی قریظه در جنگ خندق (ابن هشام، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۲۴۰).

بنا بر روایات، آن حضرت به فرماندهان نظامی توصیه می‌کردند که ابتدا جاسوسان (عیون) را گسیل کنند (حویزی، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۶۵۲).

برای نمونه، معاویه بعد از شهادت حضرت علی، دو نفر را به جاسوسی در کوفه و بصره گماشت؛ امام حسن از ماجرا آگاه شد و بی‌درنگ فرمان داد هر دو را دستگیر و اعدام کنند، سپس به معاویه نامه نوشت و او را به سبب کار زشت گماشتن جاسوس نکوهید (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۰۳، ص ۳۳).

از دیدگاه فقهی، اگر کافر ذمی برای دشمن جاسوسی کند، پیمان ذمه شکسته می‌شود (محقق حلی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۲۹) حتی بسیاری از فقها چنین جاسوسی را مستحق کیفر اعدام دانسته‌اند.

در صدر اسلام اشخاصی به‌عنوان «نقیب» و «عریف» واسطه میان دستگاه حاکم و مردم بودند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۷۶۹).

به گزارش برخی منابع، پیامبر را دوازده نقیب از مردم مدینه، که خود برگزیده بود، از امور مردم آگاه می‌کردند (ابن هشام، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۸۵).

از مجموع آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که حکم حرمت جاسوسی و تجسس دارای حد و مرز خاصی بوده و بر تمام مصادیق آن نمی‌توان حکم حرمت را بار کرد. تجسس در امور شخصی افراد، ممنوع و حرام است. همچنین روشن شد که تجسس در مورد چگونگی عملکرد کارکنان دولت و رسیدگی به شکایات مردم و مواظبت از پایمال شدن حقوق آنان توسط کارگزاران دولتی در حقیقت تجسس نیست، بلکه بازرسی و مراقبت است، از این رو، نه تنها جایز، بلکه بنا بر دلالتی چون وجوب حفظ عدالت و احقاق حق مردم، وظیفه حاکم بوده و واجب است. تجسس در امور دشمن خارجی و داخلی، به حکم عقل و شرع، واجب و ضروری است.

۷. سلاح‌های آتش‌زا و میکروبی

بیشترین خشونت‌ها در جنگ زائیده سلاح‌هایی است که نه تنها با کرامت انسان و اصول عدالت ناسازگار است بلکه عرف عام حاکمیت‌ها در عرصه شعار آن را محکوم می‌کند. به‌کارگیری سلاح‌های غیرمتعارف همانند، هسته‌ای، میکروبی، سمی و شیمیایی، از منظر آموزه‌های اسلامی از جهات گوناگون ممنوع است.

آگاهی از نظم درونی اتم‌ها و کیفیت ترکیب و تجزیه آن‌ها ممنوع نیست، آنچه منع شده است سلاح‌های کشتار جمعی است ولی بهره‌برداری صحیح از آن، که مورد تأیید عقل و نقل است جایز است و چنانکه بعد پیشگیرانه داشته باشد نه تنها جایز بلکه لازم است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۵). گرچه در عصر رسول خدا (ﷺ) و ائمه (ﷺ) از سلاح‌های شیمیایی و میکروبی و سمی و هسته‌ای خبری نبوده است تا موضع آنان در برابر به‌کارگیری آن‌ها مشخص شود، لیکن نمونه‌های کوچک‌تری در آن زمان بوده است که از جهات مختلف مشابه سلاح‌های غیرمتعارف عصر حاضر است. لذا می‌توان حکم آن‌ها را به سلاح‌های غیرمتعارف عصر حاضر تعمیم داد. از جمله مسموم کردن مناطق، آتش زدن درختان و مزارع و خانه‌ها، آب بستن بر روی دشمن جهت غرق کردن آن‌ها و...

رسول خدا (ﷺ) و ائمه (ﷺ) به نوعی در مقابل هر یک از این‌ها موضع گرفتند و استفاده از این قبیل سلاح‌ها را در آن عصر منع کرده‌اند. روایتی در متون دینی از رسول خدا (ﷺ) وارد شده است که بر حرمت مسموم کردن محل سکونت دشمن دلالت دارد. رسول خدا (ﷺ) «از سم پاشیدن در مناطق مشرکان نهی کرده است» (طوسی، ۱۴۰۷، ص ۱۴۳).

۷-۱. نظرات فقها

نظریه منع سلاح‌های کشتار جمعی در صدر اسلام وجود داشته است از آنجا که پیامبر اسلام (ﷺ) به‌طور صریح و واضح از انتشار سم در سرزمین مشرکان نهی فرموده‌اند و اینکه در فتوای فقهای گذشته، مسلمانان از کاربرد سم در جنگ و مسموم کردن آب دشمن نهی شده‌اند؛ چرا که سم آثار مخربی بر محیط زیست و موجودات زنده دارد؛

شیخ طوسی، استاد بزرگ فقهای شیعه در کتاب «النهاية» می‌فرماید: «جایز است جنگیدن با کفار با انواع ابزارهای قتل به جز سم. پس همانا پخش سم در سرزمین آن‌ها جایز نیست» (طوسی، ۱۴۰۷، ص ۵۱).

فتوای تحریم سلاح‌های کشتار جمعی مورد قبول و تأیید فقیهان بسیار زیادی واقع شده است که در کتب خود مطابق آن فتوا داده‌اند از جمله: فقهای بزرگی همچون ابن ادریس در کتاب السرائر، ابن زهره در کتاب غنیه، علامه حلی در المختصر النافع، شهید اول الدروس الشرعية، محقق ثانی در جامع المقاصد، نظریه منع سلاح‌های کشتار جمعی را تأیید نموده و بر ممنوعیت مطلق یا حتی مشروط به کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی فتوا داده‌اند (حرعاملی، ۱۴۰۹، ص ۶۲).

براساس همین روایت و مشابه آن که در کلمات ائمه (ع) آمده است، بسیاری از فقها پاشیدن سم در مناطق جنگی و غیر جنگی را حرام دانسته‌اند.

آیت الله محمد صدر، افزون بر فتوا به حرمت مسموم کردن مناطق و بلاد مشرکان، یک قدم جلو می‌گذارد و تصریح می‌کند: هرچند در روایت عنوان سم به کار رفته است، اما بی‌شک سم موضوعیت ندارد، بلکه از نظر ملاک هرگونه سلاح غیر متعارف را شامل است (صدر، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۳۸۴).

سید محمد صدر قتل کفار را به وسیله آتش، آب و سم حرام دانسته و به نظر ایشان روایات مانعه؛ گرچه در خصوص سم و آتش وارد شده است؛ اما همه سلاح‌های کشتار جمعی را شامل می‌شود (صدر، ۱۴۲۰، ص ۳۸۵).

ابن ادریس از فقهایی است که تصریح کرده است مقابله با دشمن با سلاح‌های آتش‌زا جایز نیست (محقق کرکی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۳۸۵).

از مجموع مباحث حرمت مسموم کردن مناطق مسکونی مشرکان و حرمت به‌کارگیری ابزارهای آتش‌زا در جنگ و همچنین با مراجعه به رساله عملیه مراجع تقلید معاصر به این نتیجه قطعی و مسلم می‌رسیم که استفاده از سلاح‌های غیرمتعارف هسته‌ای، میکروبی و شیمیایی، در انواع مختلف آن، از نظر تمام مذاهب فقهی اسلام، حرام است.

۸. ترور

از گذشته‌های دور تاکنون ترور به‌عنوان ابزار عملیات روانی در بین جوامع مختلف بشری از طریق حکومت‌ها و قدرت‌های استکباری به‌کار می‌رود. ترور با تهدید سعی در برانگیختن ترس و هراس مخاطب جهت تحت فشار قرار دادن او برای اطاعت دارد. اصطلاح ترور در بر گیرنده مراتب و درجات متعدد از ایجاد نگرانی، دلهره، ترس و قتل و حذف فیزیکی است. ترور، یک تهدید است که جهت مؤثر واقع شدن باید با سناریوی دقیق و عملی پشتیبانی شود. به‌طور کلی هر قدر اقدام ترور خشن‌تر باشد تأثیرگذاری آن در افکار عمومی بیشتر خواهد بود. تکنیک ترور به منظور دستیابی به اهداف سیاسی مشخص به کار برده می‌شود (قهرمانپور، ۱۳۹۳، ص ۷۲۵). از واژه ترور تعاریف متعددی بعمل آمده است، آشوری، در دانشنامه سیاسی در تعریف ترور چنین می‌گوید: «ترور، در لغت، در زبان فرانسه، به معنای هراس و هراس‌افکنی است. و در سیاست به کارهای خشنوت‌آمیز و غیر قانونی حکومت‌ها برای سرکوبی مخالفان خود و ترساندن آن‌ها ترور می‌گویند و نیز کردار گروه‌های مبارزی که برای رسیدن به هدف‌های سیاسی خود، دست به کارهای خشنوت‌آمیز و هراس‌انگیز می‌زنند، ترور نامیده می‌شود» (آشوری، ۱۳۷۳، ص ۹۹).

۸-۱. تروریسم

تروریسم یکی از واژه‌هایی است که امروزه در ادبیات سیاسی جهان کاربرد بسیار گسترده‌ای یافته است. البته درباره این پدیده و چیستی آن اجماع نظری وجود ندارد و در این حوزه با آشفتگی معنایی روبرو هستیم.

از تروریسم تعاریف متعدد و مختلفی به عمده آمده است. تروریسم اصطلاحی است که بر سر تعریف آن توافقی میان حکومت‌ها یا تحلیل‌گران دانشگاهی وجود ندارد، اما تقریباً به شیوه‌های گوناگون به تعبیری منفی به‌کار می‌رود تا غالباً اقدامات گروه‌های فرا دولتی خودساخته با انگیزه سیاسی علیه جان افراد را توصیف کند (احمدی، ۱۳۸۱، ص ۸۰۸).

۸-۲. ترور از نگاه اسلام

معادل واژه ترور در فرهنگ اسلامی «فتک» است. در تاریخ طبری درباره فتک آمده که مسلم بن عقیل از ترور ابن زیاد (فرماندار کوفه) در خانه هانی، خودداری ورزید و گفت که رسول خدا (ﷺ) فرموده است: «ان الایمان قیدالفتک، و المؤمن لایفتک» (طبری، ۱۳۵۲، ج ۵، ص ۳۶۳) یعنی ایمان، غافل کشی را در بند می‌نهد و مؤمن، هیچ‌کس را بی‌خبر نمی‌کشد. این روایت در منابع شیعه و سنی زیادی، از جمله مقتل ابی مخنف، تاریخ طبری، تنزیه الأنبیاء آمده است و دال بر حرمت ترور دارد.

روش و سیره عملی رسول خدا (ﷺ) و ائمه معصوم (ﷺ) و شاگردان مکتب آنان نیز این‌گونه بوده است. از آن جمله حضرت مسلم در شهر کوفه است عبیدالله ابن زیاد قصد عیادت شریک بن ابی‌اعور از شیعیان و دوستان سیدالشهدا (ﷺ) را که در خانه هانی بن عروه بستری بود می‌کند. شریک با مسلم قرار می‌گذارند مسلم پشت پرده مخفی شود و به هنگام آمدن عبیدالله بن زیاد شریک بن‌اعور جمله «اسقنی بشربة من الماء» را بگوید و او بر عبدالله حمله و کار آن جرثومه فساد را یکسره کند. به هنگام آمدن عبیدالله، شریک بن‌اعور این کلمه رمز را بر زبان جاری می‌کند، اما از مسلم خبری نمی‌شود. بار دوم تکرار می‌کند، خبری نمی‌شود. سپس شعری می‌خواند که صید از قفس فرار می‌کند، ولی مسلم دست به ترور نمی‌زند. عبیدالله می‌فهمد و فرار می‌کند. شریک از مسلم می‌پرسد، چرا حمله نکردی؟ مسلم می‌گوید: به خاطر حدیث رسول خدا (ﷺ) «الایمان قیدالفتک والمومن لا یفتک».

در تاریخ موارد دیگری وجود دارد که سیره عملی ائمه (ﷺ) اجتناب از هرگونه ترور و عمل غافل‌گیرانه بوده است. از جمله علی (ﷺ) پس از رحلت رسول گرامی اسلام (ﷺ) با پیشنهاد به قتل رساندن دشمنان آن حضرت مخالفت کرد (ابومخنف، ۱۳۷۸، ص ۱۶۵).

اولین کسی که در معرض ترور قرار گرفت رسول اکرم (ﷺ) بود، هنگامی که سران کفار نتوانستند ایشان را از رسالتش بازدارند، تصمیم گرفتند که گروهی از بهترین مبارزان قبایل مکه شبانه رسول خدا را در بستر شهید کنند که مشیت الهی چیزی دیگر بود و واقعه لیله المییت رخ داد. حضرت علی (ﷺ) اولین شهید ترور در صدر اسلام

است. وقتی جهالت و ارتجاع نتوانست عدالت ایشان را تحمل کند، در محراب نماز به شهادت رسید. مهاجرت رسول اکرم (ﷺ) به مدینه، آزار و اذیت مسلمانان توسط کفار در صدر اسلام، هجرت گروهی از مسلمین به حبشه، تحمیل جنگ‌های متعدد به رسول خدا، کشتن شیعیان توسط معاویه و جانشینانش، شهادت امام حسین (ﷺ) و یارانش و.... جملگی از مصادیق ترور در صدر اسلام هستند.

نتیجه‌گیری

رسول گرامی اسلام (ﷺ) در ابتدای بعثت، هدف شدیدترین حمله‌های روانی و تبلیغاتی کفار قرار گرفتند. در مقابل، آن حضرت نیز به بهره‌گیری از ابزار و شیوه‌های عملیات روانی با هدف هدایت انسان‌ها به سوی سعادت، همواره مبتکر بهترین تاکتیک‌ها و تکنیک‌های جنگ روانی در دو بعد تقویت روحیه رزمندگان اسلام و تضعیف روحیه دشمنان بودند. البته هیچ‌یک از این ابتکارات منافی اصول اخلاقی و انسانی و اسلامی نبودند.

تفاوت عملیات روانی در اسلام با آنچه در جهان کفر از آن به عملیات روانی یاد می‌شود، تفاوتی است جوهری، که از مبانی عقیدتی نشئت می‌گیرد. برداشت جوامع غرب از این پدیده برپایه اندیشه‌های «ماکیاولی» استوار است، که کسب پیروزی را از هر راهی مجاز می‌داند. چنانچه جنگ‌های قرن اخیر شاهدی بر اثبات این مدعی است، و نمونه بارز آن جنایات مورد حمایت استکبار همچون گروه‌های تکفیری و داعش در ممالک اسلامی می‌باشد. برخلاف آن در مقابل «مسلم بن عقیل» به‌عنوان رزمنده‌ای مسلمان و نایب حضرت امام حسین (ﷺ) حاضر نیست با وجود آنکه شرایط کاملاً فراهم است «عبیدالله ابن زیاد» را در خانه «هانی ابن عروه» غافل‌گیرانه بکشد و می‌گوید: «انا اهل بیت نکرالغدر» (مطهری، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۱۱۸).

لذا از مطالب بیان شده می‌توان نتیجه گرفت در مکتب اسلام، گرچه به‌کارگیری بعضی از ابزارها و تکنیک‌های مورد استفاده در عملیات روانی، علیه دشمن مجاز شمرده شده است، اما چارچوب خاصی را می‌طلبد. به عبارت دیگر مقید است و نه مطلق، و این امر تا جایی مجاز شمرده شده که به اصول و ارزش‌ها و کرامت‌های انسانی - که اسلام برای آن اهمیتی فوق‌العاده قائل است - لطمه‌ای وارد نسازد.

کتابنامه

- قرآن کریم
آشوری، داریوش (۱۳۷۳)، *دانشنامه سیاسی*، تهران، مروارید.
ابن اثیر (۱۳۷۱)، *الکامل*، ترجمه، ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی، ج ۳.
ابن منظور، ابوالفضل (۱۴۱۴)، *لسان العرب*، بیروت، دارصادر، چاپ سوم، ج ۳.
ابن هشام (۱۴۲۱)، *سیره ابن هشام*، قم، ج ۱.
ابومخنف (۱۳۷۸)، *مقتل الحسین*، ترجمه علی کرمی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی دارالکتب.
أحمدی میانجی، علی (۱۴۱۱)، *الاسیر فی الاسلام*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
اصفهانى، ابوالفرج (۱۴۰۳)، *مقاتل الطالبین*، تهران، ناشر اعلمی.
ایلخانی پور، علی، عبداللهی، امید (۱۳۸۳)، *درآمدی بر جنگ رسانه‌ای*، بی‌جا، چاپ اول.
بابایی، غلامرضا (۱۳۶۹)، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران، شرکت نشر ویس، ج ۲.
بیابان نورد، علی‌رضا (۱۳۸۴)، «بررسی تطبیقی عملیات روانی ایالات متحده در دو کشور افغانستان و عراق»، *فصلنامه عملیات روانی*، سال سوم، شماره ۱۱.
جنیدی، رضا (۱۳۸۹)، *تکنیک‌های عملیات روانی و شیوه‌های مقابله*، مشهد، انتشارات به نشر آستان قدس رضوی.
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، *اسلام و محیط زیست*، ناشر، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ پنجم.
حرّ عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹)، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت، ج ۱۵.
حلی، ابن ادریس (۱۴۱۰)، *السرائر*، قم، النشر الاسلامی.
حلی، ابو منصور حسن بن یوسف علی بن مطهر اسدی (۱۴۱۱)، *ارشاد الازدهان*، قم، النشر الاسلامی.
حلی، ابو منصور حسن بن یوسف علی بن مطهر اسدی (۱۴۱۳)، *قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام*، قم، النشر الاسلامی.
حویری، عبد علی بن جمعه (۱۳۸۵)، *تفسیر نور الثقلین*، قم، انتشارات اسماعیلیان، ج ۵.
خیمینی، روح الله (۱۳۶۱)، *صحیفه نور*، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب.
ذوالفقاری، مهدی (۱۳۹۲)، *عملیات روانی، جنگ اطلاعاتی و فریب استراتژیک*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.
رحمان ستایش، محمد کاظم (۱۳۷۹)، *دانشنامه جهان اسلام*، تهران، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی.

زحیلی، وهبة بن مصطفى (۱۴۱۸)، *التفسير المنير في العقيدة و الشريعة و المنهج*، بیروت، دارالفکر المعاصر.

سبحانی، جعفر (۱۳۷۰)، *مبانی حکومت اسلامی*، قم، توحید.

صدر، السید محمد (۱۴۲۰)، *ماوراء الفقه*، بیروت، دارالاضواء للطباعة.

طباطبایی، محمد حسین (۱۴۰۲) *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه نشر اسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵)، *مجمع البیان*، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ج ۴.

طبری، محمد بن جریر (۱۳۵۲)، *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پابنده، تهران، بنیاد فرهنگ، جلد ۵.

طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن (۱۴۰۷)، *النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى*، بیروت، دارالکتاب العربی.

عسقلانی، ابوالفضل شهاب الدین احمد (بی تا)، *فتح الباری فی شرح صحیح البخاری*، بیروت، دارالحیاء التراث العربی.

فرشچی، علیرضا (۱۳۸۲)، «عملیات روانی و جنگ نامتقارن»، *فصلنامه عملیات روانی*، سال اول، شماره دوم.

قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۰۵)، *الجامع لاحکام القرآن*، دار احیاء التراث العربی.

قهرمانپور، عسگر (۱۳۹۳)، *دانش نامه قدرت نرم*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (پ)، چاپ اول.

کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، *الکافی*، طهران، دارالکتب الاسلامیه.

متفکر، حسین (۱۳۸۳)، *جنگ روانی*، تهران، پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.

محقق، محمد باقر (۱۳۶۴)، *دائر الفوائد در فرهنگ قرآن*، تهران، انتشارات بعثت.

محقق حلی، جعفر بن محمد (۱۴۱۵)، *شرائع الاسلام*، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه.

محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۰۸)، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، قم مؤسسه آل البيت (پ)، ج ۹.

محمدنژاد، میر علی، نوروزی، محمد تقی (۱۳۷۸)، *فرهنگ استراتژی*، تهران، نشر سنا.

محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۴)، *میزان الحکمه*، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث، ج ۲.

مرادی، حجت اله (۱۳۸۶)، «شایعه در سازمان؛ راهنمای کارآمدی سازمان»، *فصلنامه عملیات روانی*، سال پنجم، شماره ۱۸.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۶)، *حماسه حسینی*، قم، انتشارات صدرا، ج ۳، چاپ چهارم.

- مقریزی (۱۴۲۰)، *امتناع الاسماع*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ط الاول، ج ۱.
- معین، محمد (۱۳۵۳)، *فرهنگ فارسی*، تهران، انتشارات امیرکبیر، ج ۲.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۰)، *جواهرالکلام*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ج ۱۳.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۶۲)، *جواهرالکلام*، جلد ۳، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- نصر، صلاح (۱۳۹۳)، *جنگ روانی*، ترجمه محمود حقیقت، تهران، انتشارات سروش، چاپ پنجم.
- نیشابوری، مسلم بن الحجاج (بی تا)، *صحیح مسلم*، بیروت، دارالفکر.
- واقدی، محمد بن عمر (۱۴۱۸)، *المغاری*، بی جا.
- یوسف موسی، حسین و الصعیدی عبدالفتاح (۱۴۱۰)، *الافصاح فی فقه اللغه*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

